

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۱۸ اکتوبر ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

رسم انداختن دختر زیبا در رود نیل

مصر باستان سرزمین فراغت بود و آثار تاریخی مهمی از جمله اهرام ثلاثه و سایر آثار تاریخی را دارا می باشد . بسیاری از پیامبران بزرگ مانند حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) نیز در همان دوران در سرزمین مصر ظهور کردند.

در سال ۳۳۲ ق.م اسکندر این سرزمین را تصرف کرد . در سال ۶۴۱ میلادی (۱۹ هجری قمری) در زمان خلافت امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) این کشور توسط مسلمانان فتح شد . از آن زمان مصر همواره از سرزمین های مهم برای حکومت اسلامی بوده و تا سال ۱۵۱۷ میلادی که دولت عثمانی بر مصر تسلط یافت در دست خلفای اموی و عباسی و فاطمی بود . در سال ۱۷۹۸ ناپلئون به آنجا لشکر کشید و در سال ۱۸۰۵ میلادی محمد علی پاشا از طرف دولت عثمانی حاکم آنجا شد و سلسله جدید حکومت بر مصر را تشکیل داد.

کشور مصر یکی از قدیمی ترین کشورهای جهان بوده مدنیت در آن در حدود ۴ هزار سال، که در کنار رود نیل شکل گرفته ، بارزترین نمونه یک مدنیت رودخانه ای به شمار می رود. رود نیل یکی از طولی ترین و مشهور ترین رود های جهان است که به مثابه ستون حیاتی کشور مصر به شمار می رود.

رود نیل تقریباً ۶۶۵۰ کیلومتر طول داشته و از کوه های مرکز قاره آفریقا سرچشمه می گیرد. مصر آخرین کشوری است که رود نیل از آن می گذرد و به عبارت دیگر مصر « مصب » نیل است ، نه « منبع » آن و سپس به بحیره مدیترانه می ریزد.

می گویند مسافت رود نیل هفت ماه پیاده روی را در بر می گیرد که از آنجمله یک ماه آن در کشورهای اسلامی و دو ماه در کشورهای غیر اسلامی و چهار ماه در مناطق غیر مسکونی جریان دارد.

رود نیل از شهر های چون اوگاندا ، سودان و مصر و از پایتخت های مشهوری چون خرطوم و قاهره می گذرد و طوری که گفتیم در نهایت به بحیره مدیترانه وصل می گردد.

در جایی که رود نیل به مدیترانه می ریزد، منطقه ای حاصلخیز به نام دلتای نیل قرار دارد تمدن مصر چندین هزار سال قبل از میلاد مسیح در کنار رود نیل شکل گرفته است .

یادداشت کوچک:

بسیاری از خوانندگان محترم زمانی که بحث از رود نیل به عمل می آید ، داستان معجزه آسای حضرت موسی علیه السلام و فرعون در ذهن شان خطور می کند. ولی داستان رود نیل به این داستان ربطه نداشته، ونجات حضرت موسی و غرق شدن فرعون در صحرای سینا و در بحیره احمر صورت گرفته که مفسران آن را به نام بحیره « قُلْزُم » مسمی نموده اند . (علت نامگذاری بحیره قُلْزُم به بحیره احمر این است که در این بحیره نوعی از گیاه می روید که در فصل های معین سال رنگ سرخ به خود اختیار می کند. قُلْزُم، مشهورترین نام این بحیره بوده که از شهر قُلْزُم یا کلوسمای قدیم که از شهرهای معروف سوئز مصر است ، گرفته شده است . این بحیره به نام «بحرحجاز» و «خلیج عربی» و به ترکی «شاب (شاپ) دِنیزی» به معنای بحیره مرجان نیز شهرت دارد .)

قرآن عظیم الشان به خصوص در سوره های (قصص، اسراء و زخرف) می فرماید که فرعون و لشکرش که در تعقیب حضرت موسی بودند در بحر غرق شد. (نه در رودنیل) . آیت ۹۲ سوره یونس به این داستان اشاره نموده می فرماید : «الیوم تنجیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیه...»، یعنی بدن فرعون را از آب نجات دادیم تا نشانه‌ای برای دیگران باشد . و برآمدن جسد فرعون در ساحل بحیره به عنوان عبرت و پند آموزی برای دیگران در قرآن عظیم الشان گفته شده است . اگرچه برخی از مفسرین هدف جسم فرعون را «زره» می‌دانند چون فرعون زرهی از طلا داشت که همه او را با آن علامت می شناختند و خداوند متعال فرعون را با آن زره به بالای آب آورد تا برای آیندگان عبرت و پند باشد. برخی مفسران نیز فعل «تنجیک» را از ماده «نَجَوْه» می‌دانند نه «نجات». بنابراین چون «نَجَوْه» به معنای زمین بلند است پس معنای آیت این است: جسم فرعون را پس از غرق شدن بر بالای بلندی قرار دادیم تا همه او را ببینند و موجب عبرت و پند باشد. بر اساس شواهد تاریخی، فرعون مصر ادعای خدائی داشت و حضرت موسی علیه السلام را تهدید می‌کرد. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا زمانی که موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل به امر خداوند تصمیم به مهاجرت و خروج از مصر گرفتند. اما این پایان کار نبود؛ فرعون به همراه سپاهیان و لشکریانش به تعقیب آن حضرت و یارانش پرداختند و در نزدیکی بحیره به موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل رسیده، به گمان خود، موسی علیه السلام و یارانش را در چنگ خود آوردند ، ولی غافل از این که خداوند حافظ قوم بنی اسرائیل است . به امر خداوند موسی علیه السلام عصایش را به آب می‌زند و در مقابل حیرت همگان آب بحیره از دو طرف به کنار رفته، راه در وسط آب ایجاد می‌شود. حضرت موسی علیه السلام به همراه قوم خود از آب عبور می کنند. فرعون و یارانش هم در طمع به چنگ انداختن قوم بنی اسرائیل وارد این مسیر می‌شوند اما به امر خداوند موج‌های آب به جای اول خود برمی‌گردند و فرعون و تمام لشکرش در امواج آب غرق شده و به هلاکت می‌رسند. به گفته قرآن فرعون به هنگام غرق شدن، وقتی مرگ را در برابر چشم های خویش می‌بیند اظهار توبه می‌کند اما این توبه قابل قبول پروردگار نیست . والله اعلم بالصواب

خصوصیات رود نیل

در مصر باستان، زندگانی مردم از راه زراعت در سرزمین‌های اطراف نیل سر وسامان می یابد طبیعت خصوصیت رود نیل همین است که آب این رود در ماه سرطان و فصل بهار به تدریج بالا می رود و به اصطلاح طغیان می کند و تا به چهل روز ارتفاع آب به اوج خود می رسد ، در مدت این چهل روز چنان حالت آب خیزی در این رود ادامه می یابد که به اثر آن در بسا اوقات زمین های زرعتی و حتی خانه های گلی که در دوطرف رود نیل قرار دارد ، مورد تخریب و هجوم آب قرار می گیرند، بناءً مردم ساکن در دو طرف ، کوشش می کنند که از ترس آب خیزی فصلی ودایمی رود

نیل ، خانه و مسکن خویش را در تپه های همجوار این رود اعمار نمایند ، و در مدت ۴۰ روز آب خیزی رود نیل توسط کشتی های خرد و کوچک روز گار زندگی خویش را و به خصوص خرید و فروش اموال و سایر امور تجاری در طرف رود نیل، سر و سامان دهند ، و حتی کوشش می کنند ساکنان این مناطق مواد ذخیره را جمع آوری نمایند و از تردد زیاد در مدت چهل روز جلوگیری کنند .

در وسط ماه های سنبله آب خیزی رود نیل و ارتفاع آب به تدریج کم گشته و در مدت چهل روز آب آهسته ، آهسته دوباره به وضع عادی خویش بر می گردد و کار و بار و زراعت مردم با استفاده از ذخیره آب دوباره آغاز می یابد. در مورد علت و خصوصیت رود نیل علماء و دانشمندان و مؤرخین اسلامی عموماً این خصوصیات حیرت انگیز را اثری از آثار قدرت و حکمت خدا و نمونه ای از نظم و هماهنگی ارکان طبیعت با زندگی و بقای نوع انسان دانسته اند و برخی از آن ها به همین بیان اکتفاء نموده و روش خدا و سنت الهی را در زمینه پیدایش این خصوصیات بیان نکرده اند و برخی از آن ها روش خدا و سنت الهی را نیز در این زمینه نیز شرح داده اند از جمله:

- یاقوت حموی در معجم البلدان می نویسد: هر سال در آغاز ماه (بؤونه) که به ماه سرطان مصادف می گردد ، بر اثر تحول و تغییر هوا، بادهای شمالی می وزند و با ایجاد جزر و مد هایی به سوی جنوب، بحیره مدیترانه را بر بستر رودخانه نیل سوار می کنند و از آب شور همین دریا یک سد نامرئی در برابر جریان آب نیل تشکیل می گردد و در نتیجه در آغاز ماه (بؤونه) که مصادف می شود به ماه سرطان) آب نیل تدریجاً بالا می رود و در ماه (ابیب) که مصادف می شود به ماه اسد) ارتفاع آن به اوج خود می رسد و در ماه (سری) مصادف ماه است به سنبله) به علت تحول و تغییرات هوا بادهای جنوبی وزیدن را آغاز می کنند و سدهای نامرئی به سوی شمال، رود نیل را بر بحر مدیترانه سوار می کنند و سدهای نامرئی آب شور دریا شکسته می شوند و در نتیجه جریان طبیعی آب نیل تدریجاً پائین آمده و فقط در بستر رودخانه جریان می یابد (معجم البلدان یاقوت حموی (کلمه نیل).

پیشنهاد مردم مصر به عمرو بن عاص

بعد از این که فتوحات اسلام در زمان خلافت حضرت عمر خلیفه دوم در شام و تسلیمی کلید های بیت المقدس از سوی اسقف اعظم قدس رونق گرفت ، مسلمانان فتوحات خویش را در مصر و شمال افریقا آغاز نمودند.

طوری که در فوق یاد آور شدیم حضرت عمر بعد از فتح شام عمرو عاص را که با سرزمین مصر آشنا بود ، طرف مصر که در آن زمان زیر سلطه رومیان بود اعزام داشت . و در نتیجه درایت و فهم سیاسی مسلمانان ، اسکندریه و در نهایت در سال ۶۴۱ میلادی (۱۹ هجری قمری) مصر به دست مسلمانان فتح گردید .

اواخر بهار همان سالی که منطقه رود نیل به زیر پرچم اسلام درآمده بود، طبق روایت برخی از مؤرخان در آغاز سرطان همان سال اثری از بالا آمدن آب نیل مشاهده نگردید و مردم مصر در یک حالتی از رعب و هراس به نزد عمرو بن عاص آمدند و به او گفتند: «ای امیر طوری که امسال مشاهده کردیم آب رود نیل به موقع بالا نمی آید، رسم و عادت ما این است که در همچو حالات دختری را از پدر و مادرش خریداری می کنیم و او را به صورت یک عروس لباس می پوشانیم و آرایش می دهیم آن گاه به خاطر جلوگیری از قحطی و مرگ عمومی این عروس را به آب نیل می اندازیم تا بعد از مدتی، زود یا دیر، آب نیل بالا آمده و امکانات زندگی برای عموم اهل مصر تأمین گردد». (البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۷، ص ۱۰۰ و الفتوحات الاسلامیه، ص ۸۵ و معجم البلدان یاقوت حموی کلمه نیل و خطط مقریزی، ج ۱، ص ۸۵ و النجوم الزهراء، ج ۱، ص ۳۵ و تاریخ الخلفاء، ص ۴۹ به نقل اخبار عمر، ص ۳۸۴).

عمرو بن عاص بعد از استماع این داستان ، پیشنهاد آن‌ها را امری خلاف عقل و خلاف مروت و ترحم و معتقدات اسلامی دانست و شدیداً این پیشنهاد را رد می‌کند، زیرا این که فردی قربانی جامعه‌ای بشود در شرایطی است که آن فرد به خاطر نیل به ارزشی والاتر از زندگی خودش شخصاً داوطلب این فداکاری شود نه این که پدر و مادر مسخ شده به خاطر مبلغی پول، فرزند خود را به این خودکشی ناچار کنند و از این هم مهمتر این است که قربانی شدن یک شخص برای یک جامعه وقتی معقول است که با عقل و حس یقین حاصل شده باشد که فناء یک فرد قطعاً موجب بقای عمومی جامعه است و سپس فردی به خاطر نیل به ارزشی والاتر از زندگی برای این فداکاری داوطلب گردد. و عمرو بن عاص، در مورد وفات ابراهیم فرزند رسول‌الله صلی الله علیه وسلم حدیثی را از پیامبر اسلام شنیده بود که هیچ یک از حوادث و سوانح این جهان با حیات و ممات و مرگ و زندگی فردی از افراد بشر هیچ گونه ارتباطی ندارد و تمام حوادث این جهان برحسب سنت الهی هر یک معلول علت خاصی می‌باشند و بالا آمدن رود نیل نیز علت و عواملی دارد (مانند وزیدن باد شمال و جنوب و سوار شدن آب دریا در یک توجیه و دوری سرچشمه فوران آب نیل در توجیه دیگر) (معجم البلدان یاقوت حموی کلمه نیل) هر چند عمرو بن عاص در آن زمان شاید از این نوع توجیه‌ها آگاهی نداشته باشد و خلاصه عمرو بن عاص پیشنهاد اهل مصر را شدیداً رد کرد و اهل مصر در انتظار بالا آمدن آب نیل ماه‌های (بونه و ابیب و مسری رومی که مصادف می شود به ماه‌های سرطان اسد و سنبله) را به سر بردند و سپس از ترس گرسنگی و قحطی تصمیم گرفتند که عموماً از اطراف رود نیل کوچ کنند ، زمانی که عمرو بن عاص این وضعیت مردم واهالی مسکون در اطراف رود نیل را اطلاع حاصل نمود ، موضوع کوچ کشی مردم ، و ترس ورعب مردم را طی نامه ای به اطلاع امیرالمؤمنین حضرت عمر گزارش داد، ودر ضمن موضوع پیشنهاد اهالی و ساکنان آن مناطق راهم به حضورامیر المؤمنین نوشت.(البدایه و النهایه، ج۷، ص ۱۰۰ و النجوم الزهراء، ج ۱، ص ۳۵ و خطط مقریزی، ج ۱، ص ۸۵ به نقل اخبار عمر، ص ۳۸۴)

مؤرخان می نویسند : امیرالمؤمنین بعد از مطالعه نامه عمروبن عاص وبه خصوص پیشنهاد مردم را شدیداً رد کرد و طی نامه ای به عمرو بن عاص نوشت که هرگز آن‌ها را به چنین عملی اجازه مده ولوحه ای را که همراه نامه به تو می‌رسد در نیل بینداز. (البدایه و النهایه، ج۷، ص ۱۰۰ و النجوم الزهراء، ج ۱، ص ۳۵ و خطط مقریزی، ج ۱، ص ۸۵ به نقل اخبار عمر، ص ۳۸۴).

عمرو بن عاص لوحه ارسالی را که ضمیمه نامه بود گرفت ، در این لوحه حضرت عمر نوشته بود : «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عُمَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَيْلٍ مِصْرَ، أَمَا بَعْدُ فَإِنْ كُنْتُ إِنَّمَا تَجْرِي مِنْ قَبْلِكَ وَ مِنْ أَمْرِكَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فَيْكَ وَ إِنْ كُنْتُ لَنَا تَجْرِي بِأَمْرِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِيكَ فَتَسْأَلُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَجْرِيكَ» از بنده خدا عمر امیرالمؤمنین، به نیل مصر؛ اگر چنانچه تو از طرف خود و به امر خود جریان می‌یابی، پس جریان پیدا نکن که ما هیچ نیازی به تو نداریم و اگر هم چنین است که تو به فرمان خدای واحد قهار جریان می‌یابی و تنها او است که تو را جاری می‌کند، پس از خدای متعال عاجزانه تمنا می‌نمائیم که تو را جاری نماید» و وقتی این لوحه ورقی را دررود نیل انداختند فردای همان روز که شبانه بود مشاهده کردند که خدا افزایش آب نیل را در یک شب شانزده ذراع بالا برده است و در پرتو هدایت دین اسلام، این رسم غلط و سیدلانه زنده به نیل انداختن دختران بی‌گناه مصری، برای همیشه ملغی گردید.(البدایه و النهایه، ج۷، ص ۱۰۰ و النجوم الزهراء، ج ۱، ص ۳۵ و خطط مقریزی، ج ۱، ص ۸۵ به نقل اخبار عمر، ص ۳۸۴).

خواننده محترم !

در مورد نامه حضرت عمر به رود نیل نظریات مختلفی در تواریخ از طرف علماء تحریر یافته است و برخی از نویسندگان ومؤرخان متعصب مسیحی مانند بتلر به نقل از هیکل این مطلب را اساساً انکار کرده‌اند و گفته‌اند در تاریخ

مسیحیت نه در مصر و نه در غیر مصر هم چنین اتفاقی ابداً روایت نشده (الفاروق عمر، هیکل، ج ۲، ص ۲۶۶. البته بتلر اعتراف کرده است که فراعنه مصر هم چنین عادت بدی را داشته‌اند ولی مسیحی‌های مصر به علت مسیحی بودن هرگز این عادت را نداشته‌اند و هیکل نیز این عادت را به مردم سودان قدیم نسبت داده است).

هیکل گفته تنها چیزی که روایت شده این است که گاهی گودیگک را از چوب به شکل دختری آرایش داده و قبل از آب خیزی رود نیل آن را در رود نیل انداخته و با این که یک رسم خرافی هم بوده ولی چون سبب آرامش خاطر مردم ناآگاه بوده، حکماء و دانشمندان مسیحی آن را نادیده گرفته و بر آن اعتراض نکرده‌اند اما وجود همین رسم خرافی نیز از طرف مؤرخان اهل تحقیق مردود و باطل اعلام شده است. (الفاروق، عمر، ج ۲، ص ۲۶۶، هیکل این مطلب را در رد گمان بتلر گفته است که بتلر گمان کرده فراعنه دختران را زنده به نیل می‌انداختند ولی مصری‌های مسیحی هم چنین عادتی را نداشته‌اند).

ولی از مؤرخان معاصر اسلامی (علی طنطاوی و ناجی طنطاوی) در اخبار عمر، صفحه ۲۸۳ و ۲۸۴ تحت عنوان (فراست و کرامات عمر) این مطلب را از مراجع متعددی نقل کرده‌اند ولی با آنهم در پاورقی آن نوشته‌اند که این مطلب صحت ندارد و فقط به این خاطر آن را نوشته‌ایم که در بین مردم شهرت یافته است نه به خاطر این که مطلب صحیحی می‌باشد.

همچنان دکتر محمد حسین هیکل در (الفاروق عمر) بخش اول مطلب را (این که مصریان دختران خود را زنده در رود نیل انداخته‌اند) ناصحیح می‌داند و آن را ناشی از یک افسانه یونانی مربوط به (پلوتارک) می‌داند. (الفاروق عمر، جلد ۲، صفحه ۲۶۷، که گویا (جیتوس) پادشاه مصر در مقابل رد بلاها نذر کرده دخترش را زنده در رود نیل بیندازد و دخترش را در نیل انداخته و بعد از شدت ناراحتی مرگ دخترش خودش را نیز در نیل انداخته است).

در مورد نامه امیر المؤمنین حضرت عمر که به شکل کارت برای رود نیل تحریر یافته بوده، «استاد سلیم» یکی از علمای مشهور کشور مصر که در بخش موزیم و نامه‌های عتیقه تخصص دارد می‌نویسد: این کارت را مانند نامه‌هایی می‌داند که پادشاهان قدیمی مصر به منظور بالا آمدن آب نیل در رود نیل می‌انداختند و هیچ کدام از محدثان و مؤرخان قدیم اسلامی این روایت را خرافی و افسانه و بی‌اساس اعلام نکرده‌اند و هر چند موطا و مسلم و بخاری و بقیه صحاح سته در مناقب عمر (رض) از این مطلب اساساً بحث نکرده‌اند و اما قشیری نیز در بحث کرامات و روایت مطلب "یا ساریة الجبل" از این مطلب بحثی نکرده است.

و هم چنین تاریخ طبری و تاریخ کامل ابن اثیر نیز در فتح مصر از این مطلب بحث نکرده‌اند و مؤرخان و دانشمندان که این مطلب را روایت کرده و آن را تأیید هم نموده‌اند عبارتند از: البدایه و النهایه ابن کثیر و تاریخ الخلفاء و الفتوحات الاسلامیه و معجم البلدان یاقوت حموی و خطط مقریزی و النجوم الزهراء و شرح عقاید فسیفی علامه تفتازانی و الفتوحات و شرح عقاید، و در جمله کرامات حضرت عمر (رض) یکی هم موضوع نامه به رود نیل تحریر داشته‌اند. امام فخر رازی مفسر مشهور جهان اسلام در تفسیر خویش در باره کرامات حضرت عمر و بخصوص نامه حضرت عمر به رود نیل می‌نویسد:

الثانی: روی آن نیل مصر کان فی الجاهلیة یقف فی کل سنة مرة واحدة وکان لا یجری حتی یلقی فیہ جاریة واحدة حسناء، فلما جاء الإسلام کتب عمرو بن العاص بهذه الواقعة إلی عمر، فکتب عمر علی خزفة: أیها النیل إن کنت تجری بأمر الله فاجر، وإن کنت تجری بأمرک فلا حاجة بنا إلیک! فألقت تلك الخزفة فی النیل فجری ولم یقف بعد ذلك.

تفسیر الرازی، الرازی، جلد ۲۱، صفحه ۸۸.)

رود نیل طغیان کرده بود و خانه های مردم داشت نابود می شد. آمدند خدمت عمر بن خطاب که ای خلیفه رسول الله! به داد ما برس که خانه های مان رفت. جناب عمر بن خطاب گفت: يك سفالي براي من بیاورید؛ سریع برای او آوردند و با دست مبارکش بر روی آن سفال نوشت:

اگر به امر خداوند جاری می شوی، پس جاری شو و اگر به امر خودت جاری می شوی، ما کاری نداریم هر کاری می کنی بکن.

بعد از آن، این رود نیل دیگر طغیان نکرد و مردم از طغیان رود نیل رهائی یافتند.

پایان

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی